

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: بهرام رحمانی

۱۴ جنوری ۲۰۱۸

قطعنامه پایانی کنفرانس (پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران) بروکسل - اتحادیه اروپا

ما در جهانی زندگی می‌کنیم که استثمار انسان توسط انسان، اعمال ستم و تبعیض گسترده بر زنان، تخریب زیست محیطی کره زمین برای همه موجودات آن به امری روزانه تبدیل شده است. جنگ، بیکاری، بردگی، به کار گماردن کودکان، تن فروشی، رقابت و کاهش سطح زندگی مزدگیران، روال عادی زندگی در جهان و به‌خصوص در خاورمیانه و ایران شده است. تمام دولت‌های موجود در جهان و به ویژه خاورمیانه در ایجاد این وضعیت به درجات مختلف سهیم، و ذینفع هستند. این دولت‌ها هر نام و نشانی که داشته باشند در واقع دولت‌های استثمارگر هستند.

طی چند دهه اخیر، از یکسو اقدامات بعضی از نیروهای جهانی برای ترسیم خاورمیانه‌ای نو و منطبق با منافع سیاسی و اقتصادی خود در منطقه و از سوی دیگر اصرار بر حفظ موقعیت خود از سوی دولت‌ملت‌های مستبد و تمامیت‌خواه منطقه از جمله جمهوری اسلامی ایران منطقه را به آشوب کشیده است و مصیبت‌ها و ویرانگری‌های مضاعفی را بر خلق‌های منطقه تحمیل کرده است. در این گیر و دار خلق‌ها و جنبش‌های دموکراتیک آن‌ها تلاش‌هایی را که برای تأمین منافع خلقی انجام داده‌اند ولی متأسفانه به دلیل نارسائی‌های عملی و برنامه‌ریزی‌های تاکتیک و ستراتژی تاکنون نتوانسته‌اند راه به جایی ببرند و به دلیل برخوردهای مستبدانه در کوتاه مدت به انحراف و شکست کشیده شده‌اند و لذا زمینه برای یغماگری و سرکوب نیروهای مردمی، هموار گشته است.

همچنین بهار عربی در کشورهای عربی و اعتراضات مردم در ایران در سال ۲۰۰۹ تحولاتی را از سر گذراندند و تجارب تلخ و آموزنده‌ای را کسب کردند. این جنبش‌ها به این دلیل مطالبات اصلی، صریح و سراسری نداشته‌اند با بن‌بست روبرو شده‌اند، این هم ما را ناچار می‌گرداند که به جست و جوی راهکارهای واقع‌بینانه و عملی بپردازیم. تجربه موفق و تا کنونی کنفدرالیسم دموکراتیک در شمال سوریه (روژآوا) نشان می‌دهد که راه ممکن و آلترناتیو عملی دیگری هم وجود دارد، آلترناتیو امروز برای خاورمیانه و بالخصوص ایران می‌تواند با کنفدرالیسم دموکراتیک، ملت دموکراتیک و خود مدیریتی دموکراتیک در کمون‌های خود گردان با توجه با خصوصیات اتنیک، فرهنگی و اجتماعی هر منطقه به سازماندهی بپردازد.

همان‌طور که همه بدستی می‌دانیم، ایران سرزمینی است با خلق‌های متعدد و جغرافیای متنوع، از این‌رو، در چهارچوب طرح کنفدرالیسم دموکراتیک هر یک از این خلق‌ها، از حق تعیین سرنوشت خویش، با تشکیل ملت دموکراتیک

و با ایجاد خود مدیریتی دموکراتیک به منظور حق تعیین سرنوشت در مقیاس محلی و سراسری برخوردار است. یعنی به جای تشکیل یک «دولت - ملت» می‌توان به ساخت ملت دموکراتیک با تنوع فرهنگ‌ها و زبان‌های گوناگون در این سرزمین مشترک پرداخت. یعنی جامعه ایران متشکل از تمام خلق‌ها در سرزمینی مشترک با اتحاد داوطلبانه و با حقوق برابر در چهار چوب ترسیم قوانین و مقررات دموکراتیک است و از این رهگذر می‌توانند در کنار هم به همزیستی مسالمت‌آمیزی دست یابند. بدین ترتیب تمام خلق‌های ایران هم به حقوق ملی - دموکراتیک و حق تعیین سرنوشت خود خواهند رسید و هم با ایجاد اتحاد دموکراتیک و داوطلبانه مانع گسست این خلق‌ها که دارای روابط تاریخی مشترک و طولانی هستند خواهند شد. بدیهی است، اگر این خواست به حق محقق نگردد، خلق‌های تحت ستم داخل جغرافیای ایران اعم از آذری، بلوچ، عرب، کرد، فارس، ترکمن، لر و ... این حق را خواهند داشت که آلت‌رناتیوهای دیگر را تا سطح گسستن و ایجاد ملت - دموکراتیک خود برگزینند.

بر کسی پوشیده نیست که سیاست آسمیلاسیون و استحاله ارزش‌های فرهنگی خلق‌ها و بنیادهای هویتی ایران، روز به روز عمیق‌تر می‌گردد. زنان در زیر لوای قوانین شریعتی و مردسالارانه جمهوری اسلامی بیش‌ترین سرکوب و ظلم را متحمل شده‌اند؛ کودکان، جوانان، دانش‌جویان و کارگران روزبه‌روز بیش‌تر مورد تعرض و سرکوب سیاست‌های ارتجاعی جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند، به‌طور کلی ایران به پرچمدار نقض حقوق بشر تبدیل شده است. زندان، شکنجه و اعدام مخالفان به امری روزمره تبدیل گشته است. در نتیجه اختلاس‌های دولتی و تبعیض‌های طبقاتی، گرسنگی، بیکاری و فقر روزبه‌روز افزایش یافته است. در نتیجه سیاست‌های سرکوبگرانه و توتالیترانیستی جمهوری اسلامی هر روز بیش‌تر از پیش عرصه بر دگر اندیشان و مخالفان سیاست‌های جمهوری اسلامی تنگ شده است. بدون تردید می‌توان به موارد زیادی اشاره کرد که به وضوح دلالت بر سیاست سرکوبگرانه و غیر دموکراتیک جمهوری اسلامی دارد. آنچه که همچنان در شرایط کنونی و با توجه به تحولاتی که در سطح جامعه در جریان است موجب نگرانی می‌شود، سکوت بسیاری از نهادهای بین‌المللی در برابر این سرکوبگری‌ها است.

با توجه به برگزاری کنفرانس ما در پارلمان اتحادیه اروپا، ذیلاً به نکاتی در قبال مواضع دولت‌های عضو اتحادیه اروپا با جمهوری اسلامی اشاره می‌کنیم:

۱- اتحادیه اروپا در برابر سیاست‌های زن‌ستیزانه، نقض حقوق بشر و اعمال زندان، شکنجه و اعدام از سوی جمهوری اسلامی موضعی جدی اتخاذ نکرده و در خصوص این برخوردهای غیرانسانی آن را به‌طور صریح محکوم نمی‌کند و تنها به منافع و روابط اقتصادی خویش می‌اندیشد.

۲- اتحادیه اروپا در برابر بی‌عدالتی‌های سیاست‌های غیرانسانی جمهوری اسلامی در قبال کودکان و جوانان و گسترش و افزایش بی‌عدالتی‌های اجتماعی که موجب افزایش فقر و فشار مضاعف بر طبقات پائینی جامعه ایران می‌شود کاملاً بی‌تفاوت است.

۳- کنفرانس پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران مصراً خواستار آزادی سریع و بی‌قید و شرط همه زندانیان سیاسی ایران و خاورمیانه از جمله آزادی رفیق عبدالله اوجالان است که از دو سال پیش تاکنون اطلاعی از وضعیت او در دست نیست.

۴- کنفرانس پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران بدین وسیله حمایت کامل خود را از کلیه جنبش‌های کارگری، دانشجویی، زنان و فعالیت‌های محیط زیستی اعلام می‌دارد.

۵- کنفرانس پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران ضمن تأکید و حمایت کامل از ظرفیت و توانمندی جنبش‌ها و خیزش‌های مردمی در ایران، هر گونه مداخله سیاسی، اقتصادی و نظامی در امور ایران را قویاً محکوم می‌کند و امید بستن به اصلاحات حکومت اسلامی را مردود می‌داند.

پلاتفرم دموکراتیک جنبش‌ها و خلق‌های ایران، از همه خلق‌های ایران و مردم آزاده و برابری‌طلب، سازمان‌ها و احزاب سیاسی مردمی، تشکل‌های توده‌ئی، کارگری و فعالان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جهان انتظار دارد که از جنبش جدید مردم ایران در رسیدن به يك جامعه آزاد ، برابر و دموکراتیک حمایت کنند.

۱۱ جنوری ۲۰۱۸